فرهیختگان

@farhikhtegandaily

WWW.FDN.IR

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی- سردبیر: مسعود فروغی
دفتر مدیرمسئول: ۶۶۳۴۸۰۱۶ تحریریه: ۱۸۲-۶۶۷۶۰۱۸۰ - فکس: ۶۶۷۶۰۵۰۱- ۶۶۷۲۶۰۴۷
روابط عمومی: ۶۶۷۶۰۴۹۹ - سازمان آگهی‌ها: ۱۸و۶۶۳۴۸۰۴۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی- توزیع فرهیختگان: ۱۲-۶۶۳۴۸۰۱۱
نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد؛ خشکسالی در راه است؟

۹۳ درصد بارندگی کمتر

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

همیشه بعد و حین مواجهه با هر فاجعه‌ای، یکی از پرتکرارترین هشدارها، حول مساله آب بود. مثلا حتما این جمله را زیاد شنیده‌اید که می‌گویند جنگ آینده در دنیا، بر سر آب خواهد بود. البته با این وضعیت آب‌وهوایی دنیا، با این گرمای بی‌سابقه و این کم‌بارشی‌ها، چنین فرضیه‌ای اصلا غلط به‌نظر نمی‌رسد. خصوصا وقتی کشورها، بی‌توجه به سایرین، خصوصا همسایگان‌شان در حال مصادره و محدودسازی رودخانه‌ها از طریق سدسازی و... در درون خاک خودشان هستند. امسال و در جریان شیوع کرونا، یک جمله قصار دیگر هم در حال فراگیر شدن، خصوصا در ایران است و آن هم اینکه سوای سایه شوم کرونا، سایه شوم خشکسالی هم در کمین است. اینکه چه شواهد و اطلاعاتی چنین چشم‌اندازی را به ما می‌دهد، در ادامه در ارتباط با آن حرف می‌زنیم، اما اینکه این موضوع واقعیت دارد یا خیر، به‌نظر من حتی می‌توان به تجربیات شخصی هم رجوع کرد. به‌هرحال همه ما وضعیت بد آب‌وهوایی، از منظر کم‌بارشی و گرمای هوا را حس می‌کنیم. هرکدام از ما در هرجای ایران، خصوصا در این روزهای ماه مبارک رمضان، از این حرارت و عدم خنکی و بارش‌های آسمانی گلایه داشتیم و داریم. این تجربه و وضعیت موجود را کنار سایر تجربیات، خصوصا همین چندسال اخیر بگذاریم، بیش از پیش مشخص می‌شود که امسال، در سال آبی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ خیلی اوضاع و احوال خوبی از منظر بارش نداریم و کارشناسان و صاحب‌نظران هم بالاتفاق بر این مساله تاکید دارند. شرح وضع موجود باشد برای این گزارش، اما اینکه چه می‌توان کرد و راهکار برون‌رفت از وضعیت فعلی چیست، ماجرایی است که هم سر دراز دارد و هم خارج از ظرفیت یک صفحه روزنامه و این گزارش است. فعلا همین قدر را تشریح می‌کنیم؛ وضعیت ایران از منظر بارندگی، اصلا خوب نیست.

در آینده گیلان و مازندران هم قابل استفاده نیستند و آب تمام می‌شود

مساله کم‌آبی و خشکسالی در ایران، نقل امروز و دیروز نیست. به‌خاطر شرایط جغرافیایی کشور، از همان ابتدا در دوران تحصیل هم به ما گفتند که ایران وضعیت مناسبی ندارد، هم در منطقه گرم و خشکی است و در این منطقه نمی‌توان توقع بارندگی خاصی داشت، بنابراین در نگاه نخست و در شرایطی که بخواهیم حتی اثرگذاری‌های انسانی را هم دخیل نبینیم، از خیلی از کشورها عقب‌تریم و این عقب‌تر بودن هم به‌خاطر شرایط جغرافیایی ماست. اما این فقط ایران نیست که چنین شرایطی را دارد و تجربه می‌کند. کشورهای زیادی در دنیا هستند که همچون ایران هم ازلحاظ جغرافیایی و هم شرایط کلی آب‌وهوایی وضعیت مناسبی ندارند، اما این‌طور نیست که هرسال و با ازسرگذراندن یک یا چندسال کم‌آبی تن و بدن‌شان بلرزد که وارد دوره‌ای بی‌سابقه از خشکسالی می‌شوند. پس با علم به این دو مساله، یعنی شرایط جغرافیایی و اقلیمی، به‌علاوه نوع مواجهه و زیست در این شرایط چندخطی را می‌نویسیم و دریچه ورود به بحث را هم سخنان عجیب و نگران‌کننده پرویز کردوانی، پدر علم کویرشناسی ایران قرار می‌دهیم که بهمن‌ماه سال گذشته در ارتباط با وضعیت آب و هوایی و بارندگی در ایران گفت: «ایران به‌دلیل گرمای کره زمین در خشکسالی به‌سر می‌برد. ازسوی دیگر چاه و سدسازی‌های متعدد انجام شده است. میزان آب در شهرها و استان‌های کشور یکی پس از دیگری تمام می‌شود. برای مثال روزی فرا می‌رسد که دیگر استان اصفهان، کرمان، تهران و... آب ندارد و در آینده گیلان و مازندران هم قابل استفاده نیستند و آب تمام می‌شود.» سوای این اظهارات نگاهی هم به گزارش بارندگی روزانه به تفکیک حوضه‌های آبریز درجه یک و دو که توسط دفتر مطالعات پایه منابع آب شرکت مدیریت منابع آب ایران وزارت نیرو منتشر می‌شود می‌اندازیم. براساس اطلاعات مندرج در این گزارش ارتفاع کل ریزش‌های جوی از اول مهر لغایت ۳ اردیبهشت سال آبی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بالغ‌بر ۱۲۷ میلیمتر است. این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت (۲۰۶ میلیمتر) ۳۸ درصد کاهش و نسبت به دوره مشابه سال آبی گذشته (۲۷۵ میلیمتر) ۵۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. ضمنا حجم بارش اول مهر تا پایان ۳ اردیبهشت معادل ۲۰۹/۲۹۹ میلیارد مترمکعب است.

میزان بارش اول مهر تا ۳ اردیبهشت (میلیمتر)

حوضه آبریز اصلی	سال آبی ۱۴۰۰-۱۳۹۹	سال آبی ۱۳۹۹-۱۳۹۸	متوسط ۵۲ ساله	درصد اختلاف نسبت‌به سال آبی ۱۳۹۹-۱۳۹۸	درصد اختلاف نسبت‌به متوسط ۵۲ ساله
دریای خزر	۲۴۵	۳۶۰	۳۰۲	-۳۲	-۱۹
خلیج‌فارس و دریای عمان	۱۹۸	۴۲۰	۳۳۵	-۵۳	-۴۱
دریاچه ارومیه	۱۹۶	۲۲۹	۲۰۷	-۱۴	-۵
فلات مرکزی	۷۶	۲۰۵	۱۳۶	-۶۳	-۴۴
مرزی شرق	۲۰	۱۴۰	۸۹	-۸۶	-۷۸
قره‌قوم	۸۸	۲۴۲	۱۷۷	-۶۴	-۵۰
کل کشور	۱۲۷	۲۷۵	۲۰۶	-۵۴	-۳۸

خشکسالی فعلی جزء بدترین خشکسالی‌ها است

سوای این اعداد و ارقام، که خب خیلی هم نگران‌کننده است، با احد وظیفه، رئیس مرکز خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی کشور گفت‌وگویی انجام دادیم؛ گفت‌وگویی که به‌خوبی نشان از وخامت احوال آب‌وهوایی ایران دارد. وظیفه در تشریح وضعیت کشور خاطرنشان کرد: «خشکسالی‌ای که در کشور داریم، قطعا جزء بدترین خشکسالی‌ها به‌حساب می‌آید. اگر نگوییم اولین خشکسالی کشور ازنظر شدت، دومی یا نهایتا سومین خشکسالی کشور است. شرایط خیلی بدی داریم. برخی از استان‌ها مانند هرمزگان، سیستان‌وبلوچستان، خراسان رضوی، جنوب فارس، جنوب بوشهر، خطه جنوب و جنوب شرق این خشکسالی بی‌سابقه است. هرمزگان شاید تا این موقع از سال حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیمتر در بدترین سال‌ها بارندگی داشته است، ولی امسال چیزی حدود ۱۲ میلیمتر باران دریافت کرده است. در این مناطق این بدترین سال بوده است، اگر این گونه درنظر گرفته شود. برای کل کشور درمجموع فقط خطه شمال را داریم که دچار این حد از خشکسالی نشده است. خطه شمال‌غرب و غرب و مرکز را داریم که روی‌هم‌رفته بارندگی این خطه‌ها خیلی هم بد نیست، بد است ولی خیلی بد نیست؛ مثلا شاید ۲۰ تا ۲۵ درصد بارندگی دارند؛ مثل جنوب‌شرق و جنوب کشور نیستند، ولی درمجموع همین برآیندها به این منجر می‌شود که یکی از بدترین سال‌های خشکسالی را در کشور شاهد باشیم.»

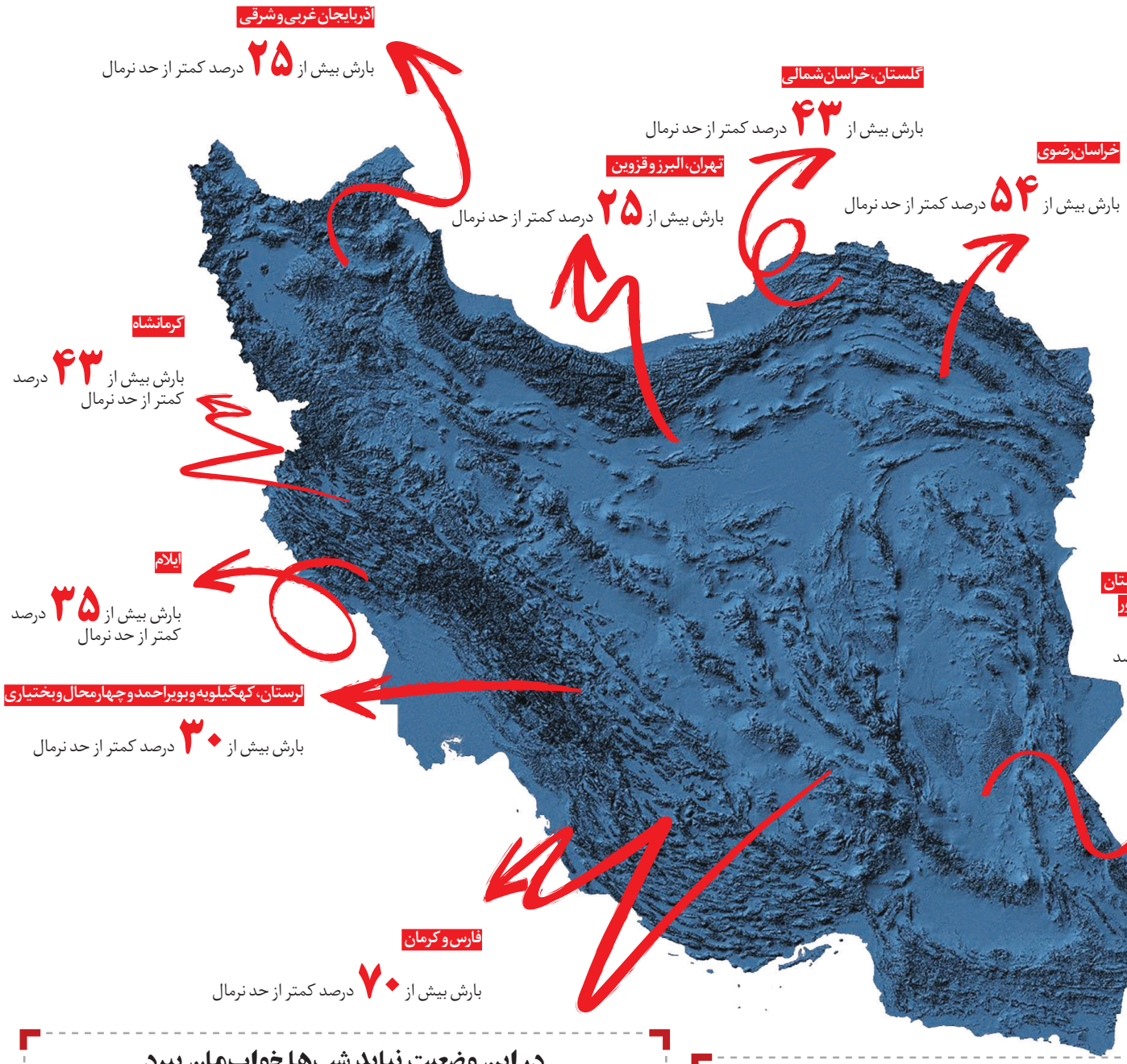

بارندگی‌ها در جنوب و جنوب‌شرق، ۹۳ درصد کمتر از حد نرمال

در حوزه جنوب‌شرق و جنوب ما ۹۳ تا ۹۴ درصد کمتر از نرمال بارندگی داریم. بالاترین هرمزگان و سیستان‌وبلوچستان حدود ۹۲ تا ۹۳ درصد است که اساسا زیر نرمال است. خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان که در خطه شمال است، وضعیت خیلی بدی دارند. وضعیت آنها ازنظر کم‌بارشی بسیار بد است. خود گلستان ۴۳ درصد بارندگی زیر نرمال دارد. خراسان شمالی هم همین‌طور، کم‌بارشی خراسان رضوی به ۵۴ درصد رسیده است. نیمه شرقی و غربی را از مرز استان تهران بگیریم. نیمه شرقی کم‌بارشی بسیار شدید و فوق‌العاده شدید است، به‌طوری که کم‌سابقه و بی‌سابقه است. در نیمه غربی کم‌بارشی داریم، اما نه اینکه بی‌سابقه باشد و جزء بدترین سال‌های آنها باشد. به‌هرحال بارندگی نسبت به نرمال کم است. استان تهران حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر نرمال است که شامل قزوین و کرج است. استان البرز هم کلا همین‌گونه است. شمال‌غرب مانند آذربایجان‌ها حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کم‌بارشی دارند. پایین می‌آییم و به کرمانشاه که می‌رسیم به ۴۳ درصد می‌رسد. همین‌طور ایلام ۳۰ تا ۳۵ درصد باز کم‌بارشی داشته‌اند. لرستان، کهگیلویه و چهارمحال حدود ۳۰ درصد زیر نرمال هستند. از آنجا که پایین‌تر بیاییم و به جنوب فارس برسیم، کرمان را مثال بزنم کم‌بارشی به بالای ۵۰ درصد یعنی ۷۰ تا ۹۳ و ۹۴ درصد می‌رسد.»

منتظر تشدید گرد و غبار و افزایش آتش‌سوزی در جنگل‌ها باشیم

وظیفه در پاسخ به این سوال که علت این خشکسالی چیست و نقش عوامل مختلف در ایجاد آن به چه میزان است گفت: «این را نمی‌توان به‌دقت تعیین کرد که کدام بخش طبیعی و کدام بخش مربوط به تغییر اقلیم است. شاید نمی‌توان با کم‌بارشی امسال بگوییم که تغییر اقلیم رخ داده است؛ ولی در کل معتقدم که تغییر اقلیم رخ داده است. به این صورت که تغییر اقلیم را در یک روند طولانی‌مدت می‌توانیم تعیین کنیم که آیا اقلیم ما نسبت به گذشته تغییر کرده است یا خیر؟ وقتی به ۵۰ تا ۶۰ سال آمار مراجعه می‌کنیم و می‌بینیم که از آن سال‌ها تا به امروز حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیمتر به‌طور متوسط در پهنه کشور از بارندگی کاسته شده است. این نشان‌دهنده این است که تغییر رخ داده است، به هر حال نوسانات همیشه است. شما شاهد بودید که غیر از امسال در دو سال قبل بارندگی‌ها آنچنان بود که می‌گفتیم کشور وارد دوره ترسالی شده است و خیلی هم هول کرده و اعلام کردند وارد دوره ترسالی شدیم، درحالی که امسال نوسانات کم‌بارشی را داشته‌ایم. آن سال‌های پربارش و امسال کم‌بارش، نشان‌دهنده نوسانات زیاد در اقلیم ماست. بنابراین در یک یا ۲ سال این نوسانات نمی‌تواند نشانگر تغییر اقلیم باشد، ولی از گذشته ۵۰ تا ۶۰ ساله بررسی کنیم و میانگین سالانه را بگیریم و روند تغییر سالانه یا میانگین ۱۰ ساله بگیریم، نشان می‌دهد بارندگی‌ها روند نزولی داشته است. برعکس اگر پارامتر دیگری که در اقلیم بسیار مهم است و آن هم تغییر دماست را درنظر بگیریم این آماری که از آن داریم نشان می‌دهد در ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته روند دمایی ما همواره سیر صعودی داشته است. به‌طور متوسط کشور ما از ۵۰ سال گذشته تاکنون ۲ درجه به دمای میانگینش افزوده شده که نسبتا بالاتر از آن افزایش دمایی است که در میانگین جهانی رخ داده است. این هم یک سری دلایلی دارد؛ یک بخش آن این است که ایستگاه‌هایی که رکورد دما را ثبت می‌کردند مثل فرودگاه مهرآباد در گذشته خارج از شهر تهران قرار داشت ولی الان با گسترش افزایش جمعیت و گسترش مناطق شهرنشین این ایستگاه‌ها وارد فضای شهری شده‌اند، درنتیجه دمایی که اندازه گرفته می‌شود یک مقدار معرف دمای محیط است به اضافه تغییراتی که ناشی از اثرات شهری است نه تغییر اقلیم، ولی به‌طور کلی این ۲ درجه دما مقدار قابل توجهی است. دما که افزایش پیدا کند شدت تبخیر و تعرق هم افزایش پیدا می‌کند. مثلا امسال در زمستان فقط بارندگی کم نبوده، بلکه دما هم خیلی زیادتر از حد معمول بوده است. در بهمن‌ماه حدود ۳/۵ درجه دمای کل کشور بیش از نرمال بود. به‌طور کلی سراسر زمستان و بهار را بگیریم بین ۲ تا ۳ درجه دمای متوسط کل کشور بیش از نرمال بوده است که این امر تشدید ذوب برف و تبخیر و تعرق و خشک‌شدن لایه بالایی خاک را سبب شده و متاسفانه عواقب آن هم به‌صورت بروز افزایش رخداد گردوخاک به‌ویژه در جنوب غرب کشور و از بستر دریاچه‌هایی که الان خشک شده‌اند و همین‌گونه شرق کشور -که بادهای ۱۲۰ روزه سیستان‌وبلوچستان را داریم که تقریبا از اول خرداد آغاز می‌شود و تا اواخر شهریور و اوایل مهر ادامه پیدا می‌کند- راشامل می‌شود. این افزایش دما، آتش‌سوزی جنگل‌ها را هم تشدید می‌کند. درست است که بارش کم بود و رشد علف کم شده است، ولی از طرفی خاک خشک‌تر است؛ خاک خشک‌تر دما را بالاتر می‌برد، یعنی بهتر بگوییم افزایش دما بیشتر رخ می‌دهد همین‌طور پیش‌بینی ۳ تا ۴ ماه آینده را که نگاه می‌کنیم به‌خصوص در فصل بهار دما در نیمه غربی مثلا دامنه زاگرس و بخش‌های شمال غرب کشور را درنظر بگیریم حدود ۲ درجه بالاتر از نرمال پیش‌بینی شده است. این ۲ درجه نرمال دمای متوسط است. کمینه‌های بیشتر از نرمال و بیشینه‌ای بالاتر از نرمال نشان‌دهنده این است که تقریبا با این کم‌بارشی حاکم احتمال آتش‌سوزی جنگل‌ها هم افزایش پیدا می‌کند. یکی از علت‌های آتش‌سوزی همین بالا رفتن دمای جو است، به‌خصوص در تابستان اقلیم گرم و خشک است و درنظر بگیریم که گرم‌تر هم شده، پس فراوانی را بیشتر می‌کند.»

یک سال دیگر وضعیت این‌طور باشد در تامین آب شرب هم دچار مشکل می‌شویم

پیش‌بینی‌ها درمورد بارندگی در آینده چگونه است. این سوال بعدی‌ای بود که رئیس مرکز خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی در پاسخ به آن گفت: «سال آبی ما تا پایان شهریورماه به پایان می‌رسد و امیدوارم که سال بعدی مثل امسال نباشد. اگر امسال هم می‌توانیم در برخی از استان‌ها خشکسالی را تحمل کنیم دلیلش این است که سال قبل پربارش بوده است. مثلا از ته‌مانده بارندگی سال قبل و بارش‌هایی که امسال رخ داده است یک‌مقدار سدها آب داشتند، ولی کم‌بارشی امسال باعث می‌شود ورودی سدها به‌شدت کاهش پیدا کند. مقدار نزولات‌بارشی جامد مثل برف هم خیلی کم بود؛ ذخیره برفی مناطق کوهستانی، البرز و زاگرس هم به‌شدت زیرنرمال است، آنچه در متوسط می‌آمد امسال خیلی کمتر بود. همین آورده رودخانه‌ها را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار داده است. بنابراین در فصل خشک سال یعنی فصل تابستان، آب دهی رودخانه بسیار کم می‌شود، بنابراین ذخیره آبی برای ادامه بسیار کاهش پیدا می‌کند و اگر خدایی نکرده سال بعد هم مثل امسال باشد واویلا می‌شود و من نمی‌دانم چه اتفاقاتی رخ خواهد داد، ولی واقعا شرایط بسیار چالش‌برانگیزی می‌شود. خیلی از استان‌ها حتی آب شرب را هم نمی‌توانند تامین کنند. کماکان که امسال هم مشکل آب شرب داریم. کشاورزی که اوضاع بسیار بدتری دارد و آن بماند در جای خود. پیش‌بینی سال بعدی از الان قابل اعتماد نیست و نمی‌شود پیش‌بینی کرد. اگر شنیده باشید فقط کم‌بارشی محدود به ایران نیست. کل کشورهای خاورمیانه از لبنان، سوریه، اردن، عراق، ایران و حتی خود ترکیه به‌خصوص بخش‌های جنوبی که منشا دجله و فرات است که رودخانه‌های بزرگ را به دهنه خلیج فارس از روی خاک عراق می‌آورد و حتی کشورهای شمالی‌تر از ما مثل ترکمنستان، تاجیکستان و... هم کم‌بارش بوده‌اند. این کم‌بارشی به‌صورت گسترده در منطقه خاورمیانه و آسیا غربی و جنوب غرب حاکم بوده، برعکس اروپا که امسال نسبتا سال خوبی داشته است. این امواجی که باران را به منطقه می‌آورند به‌نوعی تحت‌تاثیر موج‌های بزرگ‌تری قرار می‌گیرند که تحت گردش‌های اقیانوسی، مثل گردشی که در اقیانوس آرام است. گردش‌هایی که روی اقیانوس هند معروف به دو قطبی اقیانوس هند است به‌گونه‌ای گردش رطوبت در روی منطقه در مقیاس بزرگ و کلان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. واقعا تکلیف اینها هنوز مشخص نشده است که بتوانیم اثر آنها را در اقلیم ۶ ماه تا یک‌سال آینده به‌درستی بررسی کنیم، بنابراین از هم‌اکنون قابل پیش‌بینی نیست. حدس و گمان‌هایی می‌توانیم بزنیم، ولی خیلی دقیق نیست. برای دو ماه باقی‌مانده که پیش‌رو داریم و ماه اول تابستان سه ماه آینده و بعد چشم‌انداز بعدی این است که تابستان به‌صورت اقلیمی بارش قابل توجهی نداریم. اساسا کشور در فصل تابستان خشک است. فصل بارش در اغلب نقاط کشور تمام شده است و بارش‌ها به‌صورت اقلیمی در نیمه شمالی و نوار شمالی و آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل محدود به اینها می‌شود. در اردیبهشت‌ماه یک‌سری بارش‌های پراکنده داریم ولی خیلی قابل توجه نیست که امیدواریم اندکی از کم‌بارشی‌های موجود را ترمیم کند؛ ان‌شاءالله که پاییز بعدی این‌گونه نباشد. از طرفی دیگر وضعیت دما چندان خوش‌بینانه نیست یعنی دما در همین سه ماه آینده و ماه‌های بعد نشان می‌دهد بیش از نرمال است و دمای بیش از نرمال هم یعنی نیاز آبی بیشتر و مصرف آب بیشتر، هم در شرب و هم در کشاورزی! درنتیجه نیاز ما افزایش پیدا کرده است. از طرفی آورده کمتری داریم و در شرایطی از لحاظ آب در چالش هستیم.»

در این وضعیت نباید شب‌ها خواب‌مان ببرد خدا یک‌ماه دیگر به داد زابلی‌ها برسد

وظیفه در پایان به این سوال که چقدر سیاست‌های دولت‌های مختلف در طول این سالیان در بروز این وضعیت اثرگذار بوده است، پاسخ داد: «سیاست‌های کشور اثرگذار بوده است، به‌طور کلی سیاست‌های کلان دولت‌ها از گذشته تا به امروز اثرگذار بوده و قبل آن را سن من اجازه نظر دادن نمی‌دهد و خیلی هم مطالعه نکردم. به‌خصوص در بخش کشاورزی توسعه بی‌محابا و مصرف آب خیلی بوده است. هرجا که توانسته کشاورزی توسعه پیدا کند آن هم متکی بر آب به‌خصوص آب‌های زیرزمینی، توسعه پیدا کرده است و بلایی را سر مان آورده است که هم اکنون شاهد آن هستیم. بسیاری از دشت‌ها و آب‌خانه‌های کشور ممنوعه شده‌اند. سطح آب آنها آنچنان پایین رفته است که دیگر نگرانی وجود دارد که شاید ۱۰ تا ۲۰ سال آینده دیگر قابل استفاده نباشند یا آب آنقدر شور و سنگین شده و چگالی آن بالا می‌رود که دیگر قابل مصرف کشاورزی هم نباشد. از یک طرف دیگر در برخی از خطه‌های کشورمان که آب به نسبت فراوان است مثل شمال کشور را داریم که کشت چندین باره برنج و به‌خصوص استفاده از کودها و سموم گیاهی باعث شده است که تقریبا آب‌های زیر زمینی آنچنان آلوده شوند که هیچ‌گونه از چاه‌هایی که در شمال احداث کنید برای مصرف شرب قابل استفاده نباشد و سطح آلودگی بالا رفته است. رودخانه‌هایی که از شهرها و روستاها می‌گذرند آنچنان آلودگی ایجاد می‌کنند که در برخی از رودخانه‌ها مثل رودخانه هراز در بخش انتهایی می‌گویند آنقدر آلوده است که هیچ موجود زنده‌ای در آن پیدا نمی‌شود. یک بخش از اینها به مردم برمی‌گردد و بخشی هم به حکومت. شما کافی است همین تهران را ببینید؛ از هر یک از دره‌هایی که از البرز به این زیبایی سرچشمه می‌گیرد به بالادست می‌روید آب زلال و تمیز پایین می‌آید و وارد شهر می‌شود. ایران جزء معدود کشورهایی از دنیاست که این شکلی با رودخانه رفتار می‌شود. این شکلی با حوزه آب رفتار می‌شود. شاید در کشورهای آفریقایی فقط این نمونه‌ها را ببینید. مطمئنا در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته شما هم چنین چیزی را نمی‌بینید. حتی رودخانه‌ای که از مرکز شهر می‌گذرد آنچنان زلال است که سنگ‌ها را در کف رودخانه می‌توانید مشاهده کرده و بشمارید و حتی عمق آب یک تا دو متر باشد. اینجا اصلا توجه نمی‌شود. ما بی‌توجهی می‌کنیم و از آن طرف هم زیادروی بسیار زیادی می‌کنیم و آب‌های زیرزمینی را به هر نحوی که بخواهیم مصرف می‌کنیم. چاه آب یا مجوز دارد یا چاه آب بدون مجوز زدیم و توسعه کشاورزی دادیم. به‌هرحال این از یک طرف و از طرف دیگر صنایع، فرض کنید صنایع فولاد در دشت کویری مثل اصفهان و یزد توسعه پیدا کرده است. این صنایع آب‌بری که نیاز به آب دارد نباید در آنجا توسعه پیدا کند. برای مثال کشورهای عربی را نگاه کنید که مردمش در کجا ساکن شده‌اند، این همه جمعیت را در کانال خلیج‌فارس ساکن کردند؛ درحالی که حاشیه خلیج‌فارس ما خالی از سکنه است، البته در مقایسه با آنها خالی از سکنه است، بعد می‌گوییم می‌خواهیم آب را با لوله با افتخار از خلیج‌فارس به کویر مرکزی بکشیم. حجم آبی که قرار است از این لوله‌ها منتقل شود بسیار کمتر از آنچه است که هم‌اکنون مورد نیاز است. این آدرس اشتباه را به شهروند عادی می‌دهد که قرار است آب با لوله از خلیج‌فارس منتقل شود، آن هم آب شیرین، پس نگران آینده نباشید. درحالی که باید از نگرانی شب‌ها خواب‌مان نبرد. آب یک مساله حیاتی است و واقعا فقط مربوط به دولت و حکومت نیست، همه ما به‌صورت تک‌تک در آن نقش داریم. بنابراین اگر مراقبت نکنیم پایداری سرزمین ما از اینکه هست بسیار بدتر می‌شود و همه چیزمان از بین می‌رود و نمی‌توانیم ادامه حیات دهیم. حجم دریاچه هامون در سیستان‌وبلوچستان پارسال کمی نزدیک به ۴۵۰ کیلومتر مربع وسعت آب آن بوده و امسال به حدود ۱۰ کیلومتر مربع رسیده؛ یعنی یک دریاچه با وسعت وسیعی خشک شده است. خدا به داد زابلی‌ها برسد وقتی که فصل گرد و خاک یک ماه دیگر آغاز می‌شود، این فاجعه است.»